

ادبیات داستانی، بازداشتگاه و زندان‌ها را چگونه تصویر کرده است؟

قصه قفس

معصومه محبی

روزنامه‌نگار

ادبیات بازداشتگاهی یا ادبیات زندان یکی از گونه‌های رایج در میان انواع ادبی است و علاوه بر مستندنگاری در حوزه ادبیات داستانی نیز شاهد آن هستیم ادبیاتی که یا برخاسته از تجربه شخصی نویسنده است یا از تجارب دیگران برای روایت روزهای سخت زندان سود برده است. در میان نویسندگان ایرانی نیز آثار بسیاری می‌توان نام برد که در آنها گوشه‌هایی از زندگی در زندان و بازداشتگاه و بخش‌هایی نیز شکنجه‌گاه بازتاب یافته و روایت شده است. کتاب‌هایی که گاهی به شدت تکان دهنده و اثرگذار نوشته شده و می‌توان از آنها به عنوان نمونه‌های موفق در این عرصه نام برد. آثاری که شرایط فرد زندانی یا تحت شکنجه را به خوبی نمایش می‌دهد و هر خواننده‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برهه‌ای که مبارزات علیه حکومت پهلوی جریان داشت و مبارزان به بهانه‌های مختلف بازداشت و راهی زندان می‌شدند در آثار ادبی فارسی نیز بازتاب داشته و شاهد نمونه‌های خوبی از آن دوره هستیم؛ آثاری که از شرایط شکنجه یا شرایط بازجویی‌ها به خوبی سخن می‌گویند و خواننده را در تجربه‌ای تکرارنشدنی قرار می‌دهند. در این گزارش مروری سریع کرده‌ایم بر چند نمونه که در آنها راوی پشت میله‌های زندان گرفتار است.

سال‌های بنفش

این رمان که ابراهیم حسن بیگی آن را نوشته یک نمونه موفق و تکان‌دهنده از مبارزه علیه رژیم پهلوی و سپس بازداشتگاه و شکنجه‌گاه ساواک است. ابراهیم حسین بیگی به قدری با جزئیات و توصیف‌های دقیق فضا را ترسیم کرده که خواننده گاهی نیاز دارد برای این‌که شدت اتفاقات را تحمل کند کتاب را ببندد و چند جرعه آب بخورد. این رمان که نشر کتابستان معرفت آن را منتشر کرده با بهره گرفتن از مستندهای تاریخی از مبارزات شهرهای دیگر روایتی تازه از مبارزه و شکنجه را در برابر دید خواننده شکل داده است. حسن بیگی در این کتاب با فضا سازی و آماده کردن ذهن مخاطب پرده از جنایتی هولناک در داستانش برمی‌دارد و هر خواننده‌ای را وحشت‌زده می‌کند. او در سال‌های بنفش تلاش کرده نشان دهد رژیم به مخالفان چگونه برخورد می‌کرده است. اثری که شاید جای خالی آن در ادبیات داستانی محسوس بود و حالا گویای شرایطی است که در سال‌های پیش از انقلاب درباره فعالان مبارزات علیه شاه جاری بوده است.



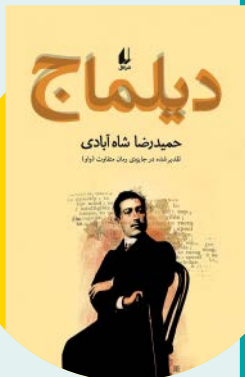
روزگار فراموش شده

مهدی رضایی را نه درست می‌شناسیم و نه خیلی درباره‌اش اطلاعات داریم. به زبان ساده باید گفت نویسنده بی‌سر و صدایی است که خیلی هم اسمی از او شنیده نشده است. این رمان اولین اثری است که از او در بازار نشر وجود دارد. نویسنده در این رمان روزگار منتهی به پیروزی انقلاب را برای خواننده روایت می‌کند آن هم از زاویه‌ای که کمتر در آن اثری خلق شده است. در این کار مخاطب از زاویه جوانان مومن انقلابی با قضیه انقلاب روبه‌رو می‌شود. نویسنده با چیره‌دستی روایتی از بچه‌های مذهبی مبارز را نقل می‌کند و مشی آنها را برای خواننده روشن می‌کند. مشی آنها در حقیقت همان مشی امام خمینی (ره) است و آن را در تقابل با سایر مشی‌ها قرار می‌دهد. مبارزه مسلحانه، مشی دومی است که در این کتاب مورد اشاره است و نویسنده نشان می‌دهد که چگونه این مشی نمی‌تواند به موفقیت برسد. البته نشان می‌دهد که مبارزه مسلحانه علیه حکومت پهلوی دارای جذبه است و جوانان پر شور انقلابی که دل پری از حکومت وقت داشتند جذب آن می‌شوند ولی خیلی زود به اهداف آنها پی می‌برند و سرخورده می‌شوند. در این کتاب نشان داده می‌شود که گروه‌های مبارزی که اسلحه در دستور کار آنهاست از بی‌اطلاعی و پاکی جوانان استفاده کرده و آنها را به نوعی می‌فریبند و از آنها سوءاستفاده می‌کنند. فضایی که رضایی از زندان‌ها و بازداشتگاه‌های ساواک به مخاطب نشان می‌دهد به اندازه‌ای ملموس است که خواننده خود را در آن لحظه حس می‌کند و ممکن است حتی با شخصیت داستان که در حال شکنجه شدن است همدردی کند و کتاب را ببندد و درد بکشد. این تصویر در این کتاب فراموش نشدنی است و اگر صفحات این کتاب کم حجم را بخوانید فراموش نخواهید کرد و از درد خفته در لابه‌لای صفحات کتاب امان ندارید در واقع باید گفت این رمان، روایت ساواک، بازداشتگاه و شکنجه است.



دیلماج

حمیدرضا شاه‌آبادی از آن نویسندگان تاریخ خوانده است. او تاریخ را با زیر و روهای آن به خوبی می‌شناسد و سعی می‌کند اگر داستان می‌نویسد از واقعیتی وام بگیرد و بر اساس آن قصه‌ای خلق کند که یقه هر خواننده‌ای را بگیرد. «اثر هنری باید واقعیت را بکاود و از مواد مصالح آن واقعیت تازه‌ای بسازد»، این همان چیزی است که در رمان‌های شاه‌آبادی اتفاق می‌افتد. شاه‌آبادی با سرک کشیدن به واقعیت سعی می‌کند واقعیت تازه‌ای خلق کند، این اتفاق را در رمان «دیلماج» شاهد هستیم. رمان در روزگار قاجار اتفاق افتاده است و روایتی از یک روشنفکر در آن روزگار را بازگو کرده است. اسارت و دربند شدن آن روشنفکر (میرزا یوسف خان مستوفی) بخشی است که از خاطر کسانی که این اثر را خوانده باشند پاک نخواهد شد. اسارت میرزا یوسف و لحظات سختی که بر او در زندان می‌گذرد به قدری دردناک است که هر خواننده‌ای را متحیر می‌کند، توصیف‌های شاه‌آبادی در این رمان در جای‌جای کتاب برجسته و متفاوت است و کمتر خواننده‌ای است که این رمان را بخواند و گمان نکند که مشغول خواندن یک ماجرای مستند است.



روز برمی‌خیزد

مصطفی فعله‌گری نویسنده‌ای است که سال‌های ابتدایی دهه ۷۰ و بعد از آن در زمینه نوشتن فعال‌تر از امروز بوده، با این حال در سال‌های اخیر چند اثر از او منتشر شده که یکی از آنها با عنوان «روز برمی‌خیزد» است. در این رمان، قصه از زبان یک زندانی سیاسی در زندان پهلوی بازگو شده است. نویسنده در این اثر، داستانی در روزگار حکومت پهلوی را روایت و سرگذشت یک زندانی سیاسی اهل اندیشه را بیان می‌کند که آرزوی نگارش زندگی یکی از زندانیان سیاسی نامدار جهان را در سردارد و در این جست‌وجو، به ضرورت نوشتن کتابی درباره امام موسی کاظم (ع) می‌رسد. این کتاب از درون زندان آغاز می‌شود و درباره زندان و زندانی است. در واقع خواننده می‌بیند که زندان در طول تاریخ همواره محلی برای ساکت کردن مخالفان و فرو بردن آنها در انزوای تحمیلی است.



کلیه اسناد شامل شناسنامه مالکیت خودرو، سند کپیانی و سند قطعی منقول پراپد، مدل ۸۴، رنگ مشکی، شماره موتور 01138377 شماره شاسی 1412284502440، شماره پلاک ۹۳۱ ب ۴۷ - ایران ۴۶ به نام تهمورث نیازمندی چوکامی مفقود گردید و فاقد اعتبار است.

کارت بازرگانی شرکت تولیدی صنعتی پلاستیک کاران فاران با مدیریت محمد صادقی با شماره کارت ۱۰۱۳۰۲۵۷۹۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار فاقد می‌باشد.

پروانه بهداشتی کارگاهی به شماره ۱۵/۱۱۶۴ از سازمان غذا و دارو به نام آقای عباس جعفری نان سنتی تالو مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

اصل مدرک کاردانی به شماره ۸۰۶۹۰۹، به شماره گواهی موقت ۱۰- ۵/۵۱۳/۲/۸۶، تاریخ فارغ‌التحصیلی ۱۳۹۱/۰۹/۰۶ به نام رویا رفیع‌یان اصفهانی، تاریخ تولد ۱۳۶۷/۰۱/۲۴، نام پدر علیرضا، شماره شناسنامه ۶۲۲۲ صادره از اصفهان مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.